

نشست تحلیلی "پسا تکفیر و فرصت های ایجاد شده برای تقریب" /امانی: باید وحدت جهان اسلام را بر مبنایی که امام خمینی(ره) مطرح کردند، پایه گذاری کنیم



به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، "مجتبی امانی" رئیس سابق دفتر حفاظت منافع ایران در مصر با حضور در محل خبرگزاری تقریب به سؤالات این خبرگزاری در خصوص فرصتهای ایجاد شده برای تقریب در مرحله پسا تکفیر پاسخ گفت؛ مشروح این گفتگو به شرح زیر است:

مجری: با توجه به اینکه جریان تکفیر به افزون شدن شکاف ها و تفرقه در جهان اسلام انجامیده است، اکنون از میان رفتن آن فراهم کننده فرصتی است تا پیامدهای حاصل از این تفرقه افکنی از میان برود. با این مقدمه به عنوان سوال نخست بفرمایید که اقدامات چند سال گذشته جریان تکفیر، برپایی دولت داعش در عراق و سوریه و به ویژه خشونت های ضد انسانی و ضد شیعی آنان، چه نقشی در بدبینی میان مذاهب اسلامی بخصوص شیعه و سنی ایفا کرد؟

مجتبی امانی: سؤال جنابعالی ناظر بر این گزاره است که در واقع ماهیت داعش یک ماهیت تفرقه افکن و در ابعادی هم ضد شیعی است. در بخشی از موضوع، مساله درست است که آنها بر اساس یک سری اهداف معین شده - حال چه دست های پنهان سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی این را برای آنها تعریف کرده باشد و چه

به شکل دیگری اعم از خودجوش و در اثر القای بیگانگان، با جریان شیعه زاویه پیدا کرده اند - علیه آن برخاسته اند. برای روشن تر شدن موضوع، مقدمه ای را مطرح می کنم که بدون ذکر آن نمی توان پاسخ صریح و درستی به این مساله داد. در یک تعبیر، داعش نماد و جلوه ی نادرستی از تلاش برای برقراری حکومت اسلامی است که با سوءاستفاده از خواسته های مسلمانان برای تشکیل چنین حکومتی ایجاد شده است. هر از چندگاهی عطش و خواسته برقراری حکومت اسلامی در جهان اسلام سر بر می آورد و به یک شکلی بروز می کند. شکل گیری جریان اخوان المسلمین در مصر که از سوی تجدد خواهان اهل سنت صورت گرفت، ظهور القاعده و همچنین بروز انقلاب اسلامی نشان از این دارد که یک جریان قوی در درون جوامع اسلامی خواستار برقراری یک حکومت به نام اسلام است.

این حرکت در جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، به پیروزی رسید و موفق شد یک حکومت اسلامی تشکیل دهد. البته حضرت آقا در بیان نا تشان، جامعه اسلامی را مقدم بر دولت اسلامی و دولت اسلامی را مقدم بر حکومت اسلامی می دانند. در جهان اهل سنت و در بین شیعیان بر سر تقدم و تأخر این سه گزاره، اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال جماعت «تکفیر الهجره» معتقد است ابتدا باید الگوی جامعه اسلامی را به وجود آورده و سپس یک الگوی حکومتی بسازیم. اخوان المسلمین می گوید ما از نظر عقلی باید مردم را به اسلام دعوت و جامعه اسلامی ایجاد کنیم تا تطبیق شریعت شود و بعد به سوی خلافت اسلامی گام برداریم. اما داعشی ها می گویند اول باید دولت اسلامی برپا شود و از خلال آن، جامعه را اسلامی کنیم. معمولا گام نخست در رویکرد افراطی ها که مبتنی بر خشونت است، از میان بردن رئیس نظام حاکم با هدف برپایی جامعه اسلامی است. داعش یکی از جلوه های این موضوع است.

اغلب اهل سنت معتقدند سلسله مراحل در حکومت اسلامی وجود داشته است. ابتدا خلفای راشدین، بعد خلافت اسلامی که بنی امیه است و سپس بنی عباس و با قدری تسامح خلافت عثمانی را هم در آن جای می دهند. بعد دوره پادشاهان مسلمان که از نظر داعشی ها تا زمان مبارک و بن علی به طول می انجامد و با پایان دوره آنها، یک جریان تاریخی انتظار که بر مبنای احادیث آنهاست شروع می شود.

بسیاری از تئوری های جریان های تندرو در شرایط کنونی معتقد است که الان دوره انتظار و تمهید حکومت اسلامی آغاز شده است. یعنی از منظر اهل سنت معتقدند قبل از ظهور مهدی منتظر، یک جامعه حکومت اسلامی باید برپا شود. بنابراین داعش با همین هدف عنوان قلمرو خود را کشور اسلامی اعراب و شام می گذارد. علت نام گذاری آن به کشور عراق و شام هم مبتنی بر حدیثی است که از پیامبر اسلام نقل قول کرده اند که منطقه شام را اولویت داده است. حال چقدر این احادیث درست است یا نه و یا مشابه آن در شیعه وجود دارد به کنار، ولی یک حرکتی است که از سوی داعش بر مبنای احادیث انجام می شود. بر همین

اساس است که آنها کشته شدن خود و دیگران را برای رسیدن به این هدف سعادت می دانند.

یک سری عقاید و رفتارهایی هم دارند که در چارچوب عقاید و رویه ای است که به ادعای آنان از سلف صالح و سیره پیامبر(ص) و اصحاب به یادگار مانده است که یکی از آنها سر بریدن است. لذا حرکتی تندروانه خود را بر مبنای عقایدشان آغاز کردند. این در حالی است که برخی معتقدند که ناکامی و شکست این گروه (داعش) را باید شکست دیگری در راه رسیدن به حکومت اسلامی یا خلافت اسلامی و یا جامعه اسلامی تلقی کرد. چنانکه حکومت اخوان المسلمین نیز در مصر تشکیل شد و شکست خورد. این تعبیر را درباره وضعیت القاعده و طالبان هم بکار می برند و آن را به غلط، شکست اهل سنت برای تشکیل حکومت تفسیر می کنند.

وقتی جمهوری اسلامی تشکیل شد، مورد استقبال اهل سنت هم قرار گرفت. حضرت امام خمینی(ره) متعاقب آن با نگاه عمیقی که به جهان اسلام داشتند، جریان تقریب را پایه گذاری کردند. بر مبنای همین تقریب بود که جمهوری اسلامی با دعوت از علمای اسلامی سعی کرد به جهان اسلام و همه مذاهب اسلامی بفهماند که همه اجزای مختلف یک جهان و آنهم جهان اسلام هستند. با موفقیت جمهوری اسلامی در پیشبرد مقاصد خود، جریان تقریب هم برجسته تر شد و اهل سنت هم با این جریان همراهی کردند. اما بعد از مدتی و پس از قدرت گرفتن ایران، به اختلافات بین شیعه و سنی دامن زده شد. در واقع این تصور را بوجود آوردند که جمهوری اسلامی به عنوان یک اقلیت شیعه و نه یک جریان اسلامی فراگیر، برای خود قدرت گرفته است. در نتیجه شاهد بودیم که جریان تقریب مذاهب اسلامی از یک برهه ای با یکسری موانع مواجه می شود. چنانکه کوشش شد تا برخی از شخصیت های اهل سنت در جلسات تقریب شرکت نکنند و این احساس در آن ها تقویت شود که اهل سنت در این موفقیت ها سهمی ندارد.

البته الان داعش هم به عنوان یک وصله ناهمگون که روش های غیر انسانی دارد، مورد قبول اهل سنت قرار نمی گیرد. همچنان که خیلی از جریان های بزرگ اسلامی مانند اخوان المسلمین در برابر آن سکوت کردند و اگر هم چیزی گفتند خیلی کمرنگ بوده است. در واقع نگاهشان به داعش کان لم یکن موجوده است. اصلا به این جریان توجهی نمی کنند. بنابراین اگر ما سرمایه گذاری خوبی نکنیم می توانیم از این بدبینی که داعش (با هدف به زعم خود برای یکپارچه کردن جهان اسلام) بین مذاهب اسلامی ایجاد کرده و در صورت پیروزی می توانست به صورت یک خطر عمده تلقی شود، استفاده کنیم و در میان اهل سنت و شیعه پایه گذار جریان یاشیم که به دور از افراط و تفریط و خشونت است و بر مبنای تعامل و همکاری جمیع جهان اسلام پیش می رود. اگر بخواهم در یک جمله بگویم، ما باید یک مرحله ظهور و افول داعش را از خاطره جریان های اسلامی دور کنیم و وحدت جهان اسلام را بر مبنای اصلی که حضرت امام خمینی مطرح کردند،

پایه گذاری کنیم. اصلی که می گوید همه مذاهب در زدودن یک پیرایه هایی چه در شیعه و اهل سنت نقش دارند و برای حفظ وحدت در جهان اسلان و دستاوردها و منافع جهان اسلام تلاش می کند.

مجری: با انعکاس جهانی خشونت های جریان تکفیر در کشورهای اسلامی، چه تصور و یا چه ذهنیتی در افکار عمومی جهان پدید آمد و مردم جهان در خصوص روابط بین شیعه و سنی چه تصویری پیدا کردند؟

مجتبی امانی: به طور کلی باید گفت که قضاوت این خشونت ها و تندروی ها اهمیت ندارد که آن را شیعه انجام می دهد یا سنی. بلکه همه این ها به نام اسلام نوشته می شود. البته معتقدم یک جریان هدفمندی وجود دارد که پشت پرده داعش را به وجود آورده و از آن حمایت می کند تا بتواند مجموعه جهان را نسبت به آخرین دین آسمانی که طرفیت پذیرش بیشتری از سوی مردم جهان دارد، بدبین کند. دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی می تواند جاذب دیگر ادیان باشد. این موضوع مهمی در گرایش های مردم است. لذا تلاش آنها این است که این اقداماتی که توسط عوامل خود و با خط دهی و جهت دهی که خود انجام دادند، به نام اسلام تمام کنند. ما در این چارچوب باید افکار عمومی جهان را نسبت به پایه ها و ریشه های داعش و شکل گیری آنها روشن کنیم.

باید مشخص کنیم از کجا شروع کردند و خود را به اسلام چسبانند. جهان غرب تلاش کرد با دقت یک نمونه تقلبی درست کند. همانند فردی که اسکناس چاپ می کند، هیچ گاه اسکناس هفتصد تومانی چاپ نمی کند که همه بفهمند، غربی ها بر آن شدند با ادبیات رایج و با کمی انحراف و بزرگ کردن برخی امور مطلوب خود و پنهان کردن برخی امور این کار را انجام دهند. اگر ما بتوانیم این آگاهی را ایجاد کنیم، می توانیم ذهنیت افکار عمومی جهان را هدایت کنیم و بعد موفق خواهیم شد از طریق جمهوری اسلامی یک روابط خوبی بین شیعه و سنی لااقل بر مبنای اختیار خودمان، ایجاد کنیم و الگوی خوبی از روابط بین شیعه و سنی ارائه دهیم. بعد می توان این نمونه را در جهان به دور از هرگونه افراط و تفریط تعمیم داد. اینکه عده ای برای سوق دادن ایران به سوی درگیری های داخلی ادعاهایی چه درباره تعداد و چه درباره نوع برخورد جمهوری اسلامی یا تقسیم مسئولیت های داخلی آنها مطرح می کنند، اصلاً ربطی به موضوع ندارد. مسئولیت ها بر اساس آرای مردم تقسیم می شود نه گرایشهای حاکمان. اینها را باید به گوش و چشم جهانیان برسانیم. در این چارچوب می توانیم یک نوع رابطه شیعه و سنی را در داخل خودمان الگوسازی کنیم و در معرض دید جهانی قرار دهیم. کارهای خوبی در این رابطه انجام شده، ولی در برابر موج حمله رسانه ای غربی، عبری و عربی که سعودی ها سردمدار آن هستند، - به ویژه در بخش عربی- ما کاری برای این موضوع انجام ندادیم.

مجری: مردم و نخبگان در جوامع شیعی و اهل سنت تا چه اندازه تحت تاثیر تبلیغات تفرقه افکنانه داعش و دیگر گروهک های تکفیری قرار گرفتند؟ به این معنی که آیا بنا به ادعای رسانه های غربی می توان گفت که فعالیت خشونت بار داعش، جنگ میان شیعه و سنی را شعله ور کرده بود؟

مجتبی امانی: به نظرم جهان اسلام یا اهل سنت خیلی به شیوه ها کاری ندارد. یک گروه تکفیری ظهور کرد و با شیوه هایی کاری را شروع کرد. آنچه برای مردم متدین اهل سنت مهم است توانایی این عده در برقراری حکومت است. اینکه اینها با هدف تاثیر گذاری در افکار عمومی جهان و اهل سنت با شیعه بجنگند آنچنان اصل نیست.

برعکس توقع افکار عمومی جهان این است که اینها با اسرائیل و امریکا مقابله می کنند لذا وقتی اصل موضوع یعنی آن شیوه ای که داعش پایه گذاری کرده بود، به نتیجه خود نرسد، موضوعات بعدی پاک می شود و به نقطه صفر بر می گردیم. بله اگر جریان داعش توانسته بود بر طبق نقشه صهیونیست ها، آمریکایی ها و سعودی ها و چند کشور منطقه، یک کشوی را حائل ایران و عراق و سوریه تشکیل دهد و بخشی از خاک عراق و سوریه را به تصرف خود درآورد، این حکومت می توانست بعدها در جنگ بین شیعه و سنی نقش مهمتری ایفا کند؛ اما وقتی که موجودیت پیدا نکرد، سایر موضوعات نیز اهمیت خود را از دست خواهد داد. بنابراین الان جایی ندارد که ما اصلا به موضوع تاثیر داعش بر تشدید جنگ میان شیعه و سنی بپردازیم. ضمن آنکه اصلا داعش در منطقه بر خلاف آنچه که تبلیغ می کنند تنها ضد شیعه نبود. تعدادی که داعش از اهل سنت در عراق کشته کم نیست. چه بسا با شیعه برابری می کند. آنها دنبال این هستند که حکومتی را تشکیل دهند، وقتی آن حکومت تشکیل نشد، قاعدتا بحث دیگری راجع جنگ اهل سنت و شیعه که قرار بود تابعی از آن باشد، اتفاق نمی افتد البته به شرطی که ما دقیق و درست عمل کنیم.

مجری: برخی این نظر را مطرح می کنند که اختلاف میان شیعه و سنی، قبلا اختلاف سلیقه در عرصه فرهنگی و صرفا بین نخبگان بوده و بعدها این اختلاف ها به ابعاد اجتماعی پیدا کرده و در عرصه فعالیت های داعش، این اختلاف سلیقه نخبگانی و فرهنگی وارد فاز نظامی شده است. اما شما معتقدید چنین نیست و از آنجایی که داعشی ها نتوانسته اند حکومت تشکیل دهند پس به جنگ نظامی ورود نکرده اند؟

مجتبی امانی: ابتدا اشاره کردم که ما یک حس قوی اسلام خواهی با هدف برقراری حکومت اسلامی در جهان اسلام داریم. هر از گاهی این حس در قالب شیوه ای برای رسیدن به هدف خود نمود پیدا می کند. در تاریخ هم از این نمونه زیاد دارد. مثلا شما حرکت سید جمال را ببینید. او هم دنبال برقراری یک حکومت اسلامی و جامعه اسلامی بود، تصور او این بود که برود و با پادشاهان حرف بزند و حتی نقل است گفته

بود که اگر من این همه نیرو که برای اقناع پادشاهان گذاشته بودم تا در فکر مصالح خودشان باشند، اگر برای ملت ها گذاشته بودم، نتیجه اش بهتر بود. حرکت دیگر نهضت مشروطه بود؛ گنجاندن این در قانون اساسی که 5 مجتهد عادل باید در مجلس باشند و بر قوانین، نظارت کنند، قدمی به سوی حکومت اسلامی بود که احکام مغایر شرع در مجلس تصویب نشود. همچنین جمهوری اسلامی ایران یکی از نمادهای آن بود. در درون این حرکت، ضدیت با فساد، استبداد و وابستگی وجود داشت. جریان های اسلامی زیادی چه در الجزایر، عراق و چه در مصر تشکیل شدند و کار کردند. اخوان المسلمین یکی از جریان های بود که می گفت باید با تبلیغ به این جریان برسیم و نه با خشونت و انقلاب. اما القاعده روش خشونت را برگزید و گفت ما سران صلیبی را هدف حمله قرار می دهیم و منافع آن ها را از بین می بریم. طالبان گفت امارت طالبان و دین و حکومت اسلامی را در افغانستان درست می کنیم. جریان های بسیار زیاد دیگری به وجود آمدند. مثلاً «عبدالسلام فرج» در اخوان المسلمین یک تزی داد و بر اساس آن تر، هدف را حمله به راس حکومت در نظر گرفت. حال آنکه جریان تبلیغی اخوان المسلمین بنا داشت ابتدا جامعه اسلامی مطابق با شریعت را پایه ریزی کند اما یک دفعه گروه هایی و جریان هایی برعکس عمل کردند و گفتند ما ابتدا سران حکومت را می کشیم و به آن خواسته خود می رسیم. داعش یکی از نمادهای چنین حرکاتی است. داعش با نیروی نظامی و هدایت دست های خارجی اقدام کرد. جریان درگیری اسلامی- صهیونیستی را می خواست به جریان داخلی درگیری بین مسلمانان تبدیل کند. معلوم بود که شعارهایش ساخته و پرداخته چه کسی است. مشخص است که منشا شعار «شیعه اخطر من یهود» کجاست. چه کسی جز صهیونیست ها می تواند این شعار را بسازد؟ یا اینکه آنها «عدو قریب و عدو بعید» درست کردند و گفتند عدو قریب ما همین مردم مسلمان منطقه و اکثر شیعه و به زعم آنها علوی ها هستند که باید از بین بروند. این ها انحرافات بود که در این جریان درست شد. جریان داعش در عرض سه الی چهار سال یک ظهور و افول شدیدی داشت به سرعت قدرت گرفت تا جایی که ما ترسیدیم کربلا را اشغال کنند، اما الان در دیرالزور محاصره هستند، این جریانی نیست که به عنوان یک موضوع عمیق بررسی کنیم بلکه باید آن را در یک پروسه کلی تحلیل کنیم.

مجری: از دیدگاه شما دوران پسا تکفیر از زاویه تفرقه یا وحدت بین شیعه و سنی چه ویژگی هایی دارد؟ به عبارت دیگر از نظر شما می توان گفت که در این دوران جدید، فرصت های لازم برای برداشتن گام های بزرگ تقریبی فرا رسیده است؟

مجتبی امانی: به نظر من بعد از نابودی داعش، یک فرصت بسیار خوبی برای تلاش در زمینه تقریب به وجود آمده و خواهد آمد با ذکر این نکته که: هنوز حس اسلام خواهی در جهان اهل سنت از بین نرفته است و از بین هم نمی رود. لذا ما باید با تجربه و درس گرفتن از ظهور جریان های مثل داعش به این سمت برویم که در دوران بعد از آن بتوانیم روابطی را که بین شیعه و سنی ابتدا خوب بود اما بعدها دچار فراز و

نشیب شد، ترمیم کنیم. برخی از رهبران جهان سنت از جمله آقای قرضاوی و همچنین برخی دیگر از رهبران جریان اخوان المسلمین علی رغم استقبال اولیه شان از جمهوری اسلامی، از آن فاصله گرفتند و به علت های مختلفی که قبلا نیز به آن اشاره داشتم، در این مسیر مقداری کم کاری کردند. از جمله این که آنها تصور نداشتند جمهوری اسلامی تا این اندازه بزرگ شود و قدرت گیرد. تصور می کردند ذیل و حاشیه ای از جریان اسلامی خواهی اهل سنت می شود. برخی دیگر هم به این دلیل سیاسی کاری می کنند که می دانستند نزدیک شدن به ایران باعث قطع ارتباط یا سخت گیری جریان غربی - صهیونیستی و برخی کشورهای عربی بر آنها خواهد شد. بر این اساس به ایران روی خوشی نشان ندادند. انقلاب های عربی هم باعث شد احساس کنند دوران ظهور خلافت اسلامی اهل سنت فرا رسیده و از نظر ما این خیلی خوب بود اما آن ها باز دچار اشتباه شدند. باید یار جمهوری اسلامی می شدند، همچنان که اخوان المسلمین در برهه ای این کار را کرد. آنها در جنگ سی و سه روز خیلی با جمهوری اسلامی خوب بودند و با حزب الله و سید حسن نصرالله همبستگی کردند. حتی در آن زمان رهبر اخوان المسلمین «محمد مهدی عاکفی» اعلام کرد که ما هم حاضریم در کنار سید حسن نصرالله بجنگیم. بنابراین باید به چنین روالی بازگردیم یعنی آنها ما را از خود بدانند و ما هم همینطور. باید این را برای آنها برجسته کنیم که اگر به غرب اعتماد کنند و در رابطه با جمهوری اسلامی، آنها را اصل و مبنا قرار دهند، ضربه سختی خواهند خورد. چنانکه جریان اخوان المسلمین مصر و آقای مرسى بر مبنای همین تر ارتباط با ایران را کم رنگ کرد یا روابط پنهانی خود را با جریان غرب پیش برد و در نهایت هم ضربه این اقدام خود را از سمت غربی ها خورد. سعودی ها هم از پشت به اخوان خنجر زدند. لذا فکر می کنم الان با در نظر گرفتن اینکه عطش خلافت اسلامی هنوز در جهان اهل سنت وجود دارد، زمینه بهتری برای تقریب به وجود آمده است. نماد داعش از بین رفته است اما اقداماتی در وجه دیگر شروع خواهد شد. به نظرم این اقدامات ممکن است در قالب حرکات قانونی و نفوذ در قدرت و همچنین تبلیغ رسانه ای پیش رود. البته در این مسیر با موانع جدی رو به رو خواهند شد چرا که فضا علیه آنها در بسیاری از کشورها امنیتی شده است. بیهوده نبود که سعودی ها دنبال این بودند که اخوان را به عنوان یک گروه تروریستی معرفی کنند که مانع فعالیت های آنها در همه کشورها شوند. در چنین فضایی ما باید ارتباطات خود را با اهل سنت گسترش داده و بر مبنای تجربه داعش بتوانیم آن حرکت تقریبی خود را با شتاب بیشتری ادامه دهیم. بنابراین تازه یک فصل مهم کار تقریبی فرا رسیده است.

مجری: برخی از تحلیلگران از تحولی فکری در جوامعی غربی و در میان علما و اندیشمندان اهل سنت برای مقابله با جریان تکفیر سخن می گویند؛ این گفته چه مصادیقی در کشورهای اسلامی دارد؟

مجتبی امانی: بالاخره الان با از بین رفتن داعش، زمینه بروز یک سری افکار متعادل به دور از افراط و تفریط در جهان اهل سنت به وجود می آید. این زمینه ها نزدیکی خیلی بیشتری با افکار جمهوری اسلامی ایران دارد. افرادی از این ها از جمله آقای دکتر عبدالمنعم ابوالفتوح در داخل مصر که از جمله شخصیت های اخوانی است که با اخوان همراه نبود اما در جریان سقوط مرسی هم با ارتش همراهی نکرد. البته بودند اخوانی هایی مثل «کمال هلباوی» که با ارتش همراهی کردند. در حال حاضر جریان های اصلی در کشورهای اسلامی خصوصا در مصر وجود دارد. البته چتر امنیتی بر سر آنها خیلی وسیع است و نمی شود توقع کار زیادی از آنها داشت. هنوز برخی از آنها متوهمند که اگر با جمهوری اسلامی ارتباط داشته باشند اجازه هیچ فعالیتی به آنها داده نمی شود. این تصورات در اذهان آنها باید تغییر کند. در دوره بعد از سقوط داعش و از بین رفتن آن قاعدتاً نطق خیلی از کسانی که علیه جریان داعش بودند و به نوعی در زمان حیات آنها واهمه و ترس داشتند، باز می شود و زبانشان به حرکت در می آید، باید از این فضا استفاده کرد. ما باید به جهان اهل سنت اثبات کنیم این حرکاتی که مبنایش، مبنای شیعه ستیزی و ایران ستیزی است، در حقیقت باعث ظهور و فعالیت گروه های غربی علیه جهان اسلام می شود. باید آنها را به بازگشت به مردم خودشان دعوت کنیم. مردم جوامع اهل سنت روزی حکومت اسلامی تشکیل خواهند داد و ما باید این جریان را محترم بشماریم و آن را علیه خود فرض نکنیم، برخلاف برخی که در درون جهان اسلام اعتقاد دارند که برقراری حکومت اسلامی یا سر کار آمدن گرایان در جهان اسلام علیه ماست. معتقدم این اتفاق، ناگزیر رخ خواهد داد و رهبران اسلامی در جوامع اسلامی به قدرت خواهند رسید. منتهی ما باید مواظب باشیم نمونه های داعشی آنها به وجود نیاید و ضمن آنکه عدم حمایت ما از جریان اصیل جهان اهل سنت باعث نشود تا آنها جمهوری اسلامی را دشمن خود فرض کنند. ما باید با این خواسته منطقی جهان اهل سنت و مردم اسلامی همراهی کنیم و تضادها و شکاف های خود را با آنها کاهش دهیم.

مجری: با فروپاشی مرکزیت داعش و شکست نظامی این گروهک، به کدام فرصت ها برای همگرایی بین شیعه و سنی می توان اشاره کرد و پیدایش کدام شرایط را می توان برای تقریب مذاهب اسلامی و وحدت میان آنها مناسب دانست؟ میگویند اگر اندیشه ای غرق شد متعلقات آن اندیشه هم همراه با آن غرق می شود. داعش معتقد به بهره گیری از خشونت است و همه می دانند خشونت اشتباه است. طبیعتا افکار اختلاف برانگیز این ها همراه با حذفشان از افکار زردوده می شود. حالا با سقوط آنها چه اتفاقی می افتد؟ چه فرصتی برای همگرایی بین شیعه و سنی از این دیدگاه به وجود می آید؟

مجتبی امانی: این یک ملزوماتی دارد شما اگر جریان شیعه که در جمهوری اسلامی ایران، نماد حکومتی

دارد در حزب الله لبنان، نماد قدرت دارد و همچنین سوریه و عراق را ببینید، متوجه می شوید که این ها نشان می دهد نمادهای شیعه وجود دارد. محکمترین و باثبات ترین هم جمهوری اسلامی ایران و رهبری آن است. به نظرم وقتی به این جریان اسلام خواهی احترام بگذاریم بعد می توانیم حرف بزنیم ولی اینکه ما از جریان های سکولار در جهان اسلام حمایت کنیم و تلویحا هم معتقد باشیم آنها برای ما بهترند، قطعاً باید منتظر این باشیم که جریانهای اسلامی در جهان اهل سنت همیشه ما را به عنوان یک دشمن خود در برقراری حکومت اسلامی مورد نظر خود تلقی کنند. از این رو باید انتظار ظهور جریانهای سخت تر از داعش هم داشته باشیم. وقتی شما با یک جریان و خواسته مردمی دشمنی کنید و استراتژی کشورتان این باشد علیه آن اقدام کند، چه انتظاری دارید که آنها با حرکات منظم یا نامنظم خودشان مزاحم شما نشوند. ما باید این حق را برای آنها به رسمیت بشناسیم. به نظرم جمهوری اسلامی در جریان سقوط مرسی کارنامه تقریباً خوبی از خود نشان داد و اثبات کرد ما از سقوط یک جریان اسلامی در یک کشور اسلامی علی رغم همه نامهربانی آنها خوشحال نیستیم. ما ناراحت شدیم که یک جریان اسلامی در یک کشور اهل سنت به شکست رسید. ما حاضریم با جریانهای اسلامی که افراط ندارند و هدفشان مقابله با جمهوری اسلامی نیست همکاری کنیم. به نظرم می شود بر این اساس یک وحدتی را ایجاد و با رهبران آنها ارتباط برقرار کرد. باید بنشینیم با رهبرانشان صحبت کنیم و آنها را به این مهم آگاه کنیم که ما دشمن شما نیستیم، بلکه یار و مددکار شما ایم. این پیامی بود که به اخوان المسلمین در مصر داده شده بود اما آنها تصورشان این بود فعلاً زمانه و موسم کسب رضایت آمریکایی ها و سعودها در منطقه است و بعد هم ضربه خوردند اما درس مهمی از این سیاست غیر واقعی شان در منطقه گرفتند.

مجری: طرفداران تقریب و منادیان وحدت بین شیعه و سنی چگونه می توانند با اشاره و تاکید بر اشتباهات جریان تکفیر، بر ضرورت وحدت میان مسلمانان تاکید کنند؟

مجتبی امانی: قاعدتا اگر مقدمات به دور از شماتت ایجاد شود و بدون اینکه ما بخواهیم نسبت به آنها برتری طلبی داشته باشیم می توان به عنوان یک جریان مستقل با حفظ حدود و به دور از حاشیه سازی و اقدامات ژورنالیستی به آنها به گفت وگو بنشینیم. در این چارچوب می توانیم یک آینده خوبی را برای همکاری با جهان اهل سنت ترسیم و با آنها کار کنیم. چه بسا که بتوان از فرصت پسدادش برای بر طرف ساختن همه سوء تفاهات و اشکال تراشی هایی که از جانب علمای اهل سنت علیه شیعه و جمهوری اسلامی ایران مطرح می شود، بهره برد و روابط مخدوش شده را ترمیم و بازسازی کرد.

مجری: ما از یک طرف، یک جریان رسمی دولتی داریم که از مجرای رسمی گفت وگو می کند و از طرف دیگر

یک جریان نخبگانی و همچنین یک جریان مردمی داریم. کدام یک از این سه جریان برای رسیدن به اهداف تقریب موثرترند؟

مجتبی امانی: وجود همه این کانالها الزامی است ولی باید بتوانیم از رسانه به خوبی استفاده کنیم. کار تقریب به اندازه ای بزرگ است که با کنار گذاشتن و انتخاب یکی از این سه به نتیجه نمی رسد. باید راه تقریب را از طریق هر سه جریان دولتی، نخبگان و همچنین سازمانهای مردمی و غیر حکومتی پیگیری کرد. اما باید بر کار رسانه ای تکیه شود و یک کار رسانه ای قوی برای روشن شدن اهداف مورد نظر در جهان اسلام شروع شود. البته این کار حتما با موانعی رو به رو خواهد بود و گروه هایی که پیش از این، بسیاری از کانال های تلویزیونی و رسانه ای را به انحصار خود در آورده اند با آنها مقابله می کنند و مانع تراشی خواهند کرد اما ما می توانیم با طراحی یک چارچوب برای کار جدی و اتکا بر هر سه بخش، کار رسانه ای خود را گسترش دهیم.